

واقع گرای

منافع ملی به بیراهه می روند؟



تحریف‌های خام‌دستانه از قدرت و نگرستن به ماهیت حقیقی آن از درِچه تنگ ایدئولوژی‌های جناحی و حزبی و سپس بنیان‌نهادن اهداف ملی بر این درک ایدئولوژیک از قدرت، منافع ملی را در پای پیکارهای سیاسی به‌مسئله می‌برد.

چهارم، منافع ملی معیاری پایدار برای داوری درباره رفتار سیاسی و هدایت آن است اما پیوند میان منافع و دولت ملی محصول تاریخ است. از این گزاره چنین می‌توان دریافت که تعیین اهداف در ردیف منافع ملی، نیازمندسازگاری اهداف با آگاهی تاریخی دولت‌ومردمان آن است. هر هدفی در سیاست خارجی باید نسبت خود با آگاهی ملی را تعیین کند. منافع ملی تنها به ابعاد مادی همچون منافع اقتصادی یا نظامی محدود نمی‌شوند، گرچه این منافع اهمیتی انکارناپذیر دارند اما نمی‌توان سازواری اهداف با هویت ملی را نادیده گرفت. سیاست خارجی یک دولت برای موفقیت در عرصه سیاست جهانی نیازمندآن است که با آگاهی ملی مردمان کشورش هماهنگ باشد. تعریف دقیق عناصر هویتی یک ملت و ارزیابی واقع‌بینانه از اثرگذاری وجوه مختلف این هویت در تعریف آگاهی ملی، امری ضروری است. نگاهی بخش‌نگرانه به هویت ملی و عزل‌نظر از وجهی از هویت به سود وجهی دیگر به‌ناسازگاری اهداف با آگاهی ملی و در نتیجه از بین رفتن پشتوانه مردمی دولت‌ها منتهی می‌شود.

پنجم، شناختی واقع‌بینانه از محیط عملیاتی اهداف سیاست خارجی، از ضروری‌ترین پیش‌شرط‌های موفقیت دولت‌ها در تأمین منافع ملی است. گفته آمد که تأمین اهداف در سیاست خارجی به ضرورت، نیازمندپیاپیاده‌شدن در محیطی است که‌ماهیت‌پویایی‌های حاکم بر آن را یک دولت به تنهایی تعیین نمی‌کند. ساختار محیط پیرامونی یعنی نحوه توزیع قدرت، مناسبات اقتصادی و نظامی کنشگران حاضر در آن و مناسبات تاریخی و فرهنگی محیطی که قرار است اهداف ملی در آن تأمین شود، همگی عواملی هستند که میزان موفقیت یا شکست سیاست خارجی بدان‌ها وابسته است. خاستگاه اعتبار و پذیرش اهداف سیاست خارجی یک دولت، سازگاری محیط پیرامونی با ماهیت این اهداف است و هیچ دولتی نمی‌تواند بی‌توجه به منطق مناسبات محیط پیرامونی اهداف ومنافع ملی خود را تأمین کند. مابینت‌نامه اهداف با محیط پیرامونی هیچ امکانی را برای موفقیت آن‌ها فراهم نمی‌کند؛ چراکه تضاد آشکار با این محیط نه‌تنها هیچ بستر مساعدی برای تحقق اهداف ملی فراهم نمی‌کند بلکه به‌حکم منطق مناسبات دولت‌ها، زمینه شکل‌گیری بلوک‌های مقاومت را سبب خواهد شد. در چنین شرایطی، پافشاری بر تأمین اهداف، تنها افزایش هزینه‌ها و نزدیکی دولت‌های محیط پیرامونی برای ساخت موازنه قدرت را در پی خواهد داشت. بدین‌سان هر هدفی در سیاست خارجی برای موفقیت‌باید کیفیت‌سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی محیط عملیاتی خود را در نظر بگیرد. شکست آمریکا در پروژه خاورمیانه‌بزرگ و ناکامی در تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی این منطقه به خوبی اعتبار این استدلال را تأیید می‌کند.

ششم، حزم و دواندیشی برترین فضیلت رفتار سیاسی است. واقع‌گرایی با تشخیص اخلاق عمومی از اخلاق سیاسی، سنجش پیامدهای رفتارهای سیاسی را برترین فضیلت می‌داند. اخلاق

عمومی، رفتارها را به‌گونه‌ای انتزاعی و بر اساس انطباق آن‌ها با موازین اخلاقی ارزیابی می‌کند، اما اخلاق سیاسی درباره رفتارهای سیاسی بر اساس پیامدهای آن داوری می‌کند. آبراهام لینکلن در سخنانی این وجه از اخلاق سیاسی را به‌صراحت عیان می‌کند: «من هر چه را درست بدانم به بهترین وجه ممکن انجام می‌دهم، و عزم آن دارم که تا پایان نیز چنین کنم. اگر در فرجام کار روسفید شدم، هر چه علیه من بگویند به جایی نمی‌رسد و اگر پایان کار تباهی و روسیاهی باشد، سوگندده فرشته بر حقانیت من نیز بی‌فایده خواهد بود.»

مطالعه‌ای در ادبیات غنی ایران نیز نشان می‌دهد تا چه حد بر نقش حزم و دواندیشی بر قوام مُلک تأکید شده است. کللیله و دمنه بقای مُلک و استقامت دولت را بی‌حزم کامل، عدل شامل، رای راست و شمشیر نیز ناممکن می‌داند. در توصیه به مُلک برای حفظ قوام دولت و پایداری حکومت آمده است که هرکس در میدان خُرد پیاده باشد و از پیرایه حزم عاطل، هرآنچه را به موافقت روزگار کسب کرده از دست خواهد داد. بدون اتکاء به دواندیشی و سنجش پیامدهای رفتار، حشمت مُلک وهیبت آن نقصان فاحش پذیرد.

▼ **هر کجا حزم تو فرو آید برکشد امن حصن‌های حصین**
در عرصه سیاسی، مهمات و مصالح کشور در فقدان شناخت پیامدهای رفتار، یکسره بر باد خواهد رفت؛ بدین سبب تصمیم‌گیرندگان در هر کنششی باید نخست پیامدها و عواقب کار را مطرح‌نظر قرار دهند. مهم‌ترین فضیلت‌رهبان سیاسی، بر خورداوری از افق دید طولانی‌مدت است، اینکه انجام هر رفتاری و در پیش‌گرفتن هر سیاستی چه پیامدهای درازدانی برای کشور دارد. پیش‌شرط اصلی فضیلت دواندیشی نیز مشورت است. اَوَّل الحزم المَشُورِه: آغاز استواری کار، مشورت‌کردن است. استوارکردن تصمیمات بر تدبیر حاصل از مشورت برای سنجش تمامی پیامدهای ممکن، ضروری‌ترین پیش‌شرط حکمرانی است.

در عرصه مناسبات جهانی «اشتیاق به امر واقع» یعنی شناخت از این واقعیت که‌دستیابی به‌هر هدفی نیازمندصرف‌ه‌زینیهایی خاص است، ضرورتی است که نادیده گرفتن آن خُسران‌هایی جبران‌ناپذیر را بر کشور تحمیل خواهد کرد. مهم‌ترین پیش‌شرط در انکای تصمیمات به چنین شناختی، ادراک صحیح از مناسبات قدرت است. مقصود از دواندیشی در سیاست جهانی، سنجش پیامدهای رفتار بر مناسبات قدرت است. در سیاست جهانی، دولت‌ها رفتارهای یکدیگر را بر اساس اثرگذاری آنها بر مناسبات قدرت ارزیابی می‌کنندو بدان پاسخ می‌دهند، هر کنششی که از نظرگاه دولت‌ها، سبب تغییری بنیادین در موازنه قدرت شد یا سرسخت‌ترین واکنش‌ها مواجه خواهد شد. کنش‌هایی که سبب‌تغییر در موازنه قدرت می‌شوند رانمی‌توان با استناد به موازین اخلاقی، حقوق بین‌الملل، انگیزه‌های صلح‌دوستی و تاریخ حسن‌همجواری برای دیگر دولت‌ها قابل‌پذیرش ساخت. هیچ دولتی تبیین‌های حقوقی و اخلاقی را برای کنششی که موازنه قدرت را تغییر می‌دهد نمی‌پذیرد. بدین‌سان دواندیشی رهبران نیازمندآن است که همواره این منطق مناسبات قدرت را در هر کنششی در نظر بگیرند.

نتیجه‌گیری: گزاره‌هایی که در بالا بدان‌ها اشاره شد، محصول نظرگاه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است؛ گزاره‌هایی که با عبور از آزمون‌های دوگانه برهان و تجربه، صق آن‌ها در مناسبات جهانی تأیید شده است. سیاست نیز به‌مانند سایر علوم اجتماعی از منطق مستقلی بر خوردار است و پیامدهای حاصل از آن نیز از همین منطق مستقل پیروی می‌کنند. سیاست، مشمول قوانینی عینی است که ریشه در نهاد بشر دارند. این قوانین از خواست‌های شخصی یا تمایلات فردی اثر نمی‌پذیرند. نادیده‌انگاشتن یا بی‌اعتنایی به این قوانین و کوشش برای مبارزه با آن‌ها، تنها به پرداخت هزینه‌هایی سنگین و یا حتی شکستی کامل منتهی می‌شود. رهبران دولت‌ها با اتکاء به بیش‌ش‌های شخصی یا متأثر از باورهای مذهبی و ایدئولوژیک می‌توانند این قوانین را نادیده بگیرند اما باید برای پرداخت هزینه‌های این بی‌اعتنایی آماده باشند. واقعیت‌های سیاسی به این دلیل واقعیت هستند که خود را بر دولت‌ها تحمیل می‌کنند، می‌توان واقعیت را نادیده گرفت اما پیامدهای حاصل از واقعیت رانمی‌توان نادیده گرفت. تجربه، گویای آن است که در فقدان اتکاء تصمیمات به منطق مستقل حاکم بر مناسبات جهانی، دولت‌ها، زوالی بی‌سابقه را تجربه کرده‌اندو تمامی رشته‌های انسجام‌سیاسی آن‌ها از هم گسسته است.

امر سیاسی تنها بر قدرت استوار است. قدرت، بنیادی‌ترین مفهوم سیاست است، چراکه تمامی قواعد رفتاری و مناسبات نظام بین‌الملل بر اساس آن تعیین می‌شود. پیوند قدرت و مناسبات دولت‌ها در سیاست جهانی چنان استوار است که درافکندن تردید در شالوده این پیوند، وهن‌هایی بزرگ را سبب می‌شود. واقع‌گرایی در توصیه‌ای سیاستگذارانه از ما می‌خواهد که کنش‌های خود در سیاست جهانی را بیش از هر عامل دیگری بر اساس مناسبات قدرت تنظیم کنیم. نظر به سرشت این توصیه ناظر بر اصالت عقل و تجربه و استنظهار آن به نمونه‌های تاریخی فراوان از زمان تاریخ جنگ‌های پلویونزی در چهارصد سال پیش از میلاد تاکنون، نادیده گرفتن آن خلاف ادب سیاست‌ورزی و آداب سیاست‌دانی است. بنیان‌نهادن تصمیمات بر داده‌هایی منفک از واقعیت مناسبات قدرت جز تلفش‌شدن منابع ملی و فروغلتیدن در سراشیبی زوال، حاصلی ندارد. «گفتم این شاخ را دهد باری، پشیمانی بُوَد». ناگفته‌پیداست که باید در کوشش برای ارزیابی دقیق از قدرت، تمامی تعلقات شناختی و علایق فردی و حزبی کنار گذاشته‌شود تا بتوان برای هدایت سیاست به‌مقصد تأمین منافع ملی مسیری روشن را ترسیم کرد. تصدیق نقش آفرینی ایدئولوژی و تعصب و آگاهی از چگونگی حضور آن‌ها در تبیین‌هایمان و اشتیاق به ارزیابی مجدد آن‌ها در پرتو تجربیات جدید، یگانه راه روشنی است که برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته باید در آن گام بگذاریم. چگونگی رسیدن به چنین شناختی، نیازمند عقلانیت سیاسی است که در مقاله بعدی به‌وجوه مختلف آن خواهیم پرداخت.

سیاستمداران



احیای روابط با پیونگ‌یانگ

رئیس‌جمهور کره جنوبی دیروز تأکید کرد کشورش به دنبال «جذب» کره شمالی در چارچوب یک اتحاد مجدد میان دو کره نبوده و آمادگی دارد روابط نظامی و انسانی با پیونگ‌یانگ را باز یابی کند. «لی جائه‌میونگ»، در جریان یک سخنرانی به مناسبت هشتادمین سالگرد آزاد شدن شبه‌جزیره کره از حاکمیت استعمارگر سابق ژاپن گفت: «ما به دنبال هیچ شکلی از جذب نیستیم و قصدی برای دست‌زدن به اقدامات خصمانه نداریم». لی جائه‌میونگ افزود، سئول خواستار «باز یابی تدریجی» توافق نظامی سی‌تا میمر ۲۰۱۹ بر سر کاهش تنش با کره شمالی بوده تا به این ترتیب جلوی درگیری‌های تصادفی گرفته‌شده و اعتماد نظامی ایجاد شود. او گفت: «کره شمالی و کره جنوبی دشمن یکدیگر نیستند. ما روابطمان را به عنوان فرآیندی تعریف کرده‌ایم که به موجب آن اتحاد مجدد صلح‌آمیز را پیگیری می‌کنیم و در عین حال به یکدیگر احترام گذاشته و همدیگر را به رسمیت می‌شناسیم.»



واکنش امارات به نتانیاہو

مشاور رئیس امارات و وزارت خارجه این کشور اظهارات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره «اسرائیل بزرگ» را محکوم کردند. «انور قرقاش» مشاور رئیس امارات شامگاه پنجشنبه اظهارات «بنیامین نتانیاہو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره «اسرائیل بزرگ» را محکوم کرد و در توثیتی نوشت: این اظهارات، اظهاراتی افراطی است که منطقه و ملت‌های آن بهای آن را می‌دهند. این چه اقدام تحریک‌آمیزی است و چه منفعتی پشت آن است و تا چه زمانی تندروی و افراطی‌ها از طریق این اظهارات درباره آینده منطقه تصمیم می‌گیرند؟ وزارت خارجه امارات نیز اظهارات نتانیاہو را به شدت محکوم و تأکید کرد: ما با این اظهارات تحریک‌آمیز که تجاوز آشکاری به قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل است مخالف هستیم. طبق گزارش المیادین، وزارت خارجه امارات بر لزوم توقف اظهارات یا اقدامات تحریک‌آمیز توسط افراطی‌های دولت رژیم صهیونیستی و همچنین لزوم توقف تمام طرح‌های شهرک‌سازی که ثبات منطقه را تهدید می‌کند و فرصت صلح و همزیستی بین منطقه و ملت‌های آن را از بین می‌برد تأکید کرد.



لزوم توقف شهرک‌سازی

در پی اعلام طرح‌های جدید رژیم صهیونیستی به منظور احداث شهرک‌های جدید در کرانه باختری، دبیرکل سازمان ملل خواهان متوقف شدن این طرح‌ها شد. بر اساس اعلام «استفان دوجاریک»، سخنگوی سازمان ملل، «آنتونیو گوترش»، دبیرکل این سازمان از رژیم صهیونیستی خواست برنامه‌های ساخت شهرک‌های جدید در کرانه باختری اشغالی را متوقف کند. این موضع بعد از آن مطرح شد که «بئسنلئیل اسمورتیچ»، وزیر دارایی رژیم صهیونیستی اوایل پنجشنبه ساخت شهرک‌های یهودی جدید در منطقه موسوم به E1 را در نزدیکی قدس شرقی تصویب کرد؛ شهرک‌هایی که طبق گفته او قرار است این شهر را از کرانه باختری جدا ساخته و جلوی ایده تشکیل یک کشور فلسطینی را بگیرند. دوجاریک گفت: «دبیرکل سازمان ملل از مقام‌های اسرائیلی می‌خواهد فوراً پیشبرد این فرآیند را متوقف کنند.» او بار دیگر تأکید می‌کند دولت اسرائیل باید همه فعالیت‌های شهرک‌سازی را طبق وظایفش بر اساس قوانین بین‌المللی و نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ دیوان بین‌المللی دادگستری متوقف کند.